

ایران: هویت، ملت، قومیت مجموعه مقالاتی است که به کوشش دکتر حمید احمدی گردآوری و توسط مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی به چاپ رسیده است. کتاب در دو بخش پژوهش‌های نظری و پژوهش‌های موردی تدوین شده است. بخش نخست شامل یک پیش‌گفتار و هشت مقاله است. بخش دوم که بیشتر به پژوهش‌های موردی می‌پردازد دارای پنج مقاله است. عمده‌ترین محورهای کتاب به بیان ویژگی‌های ملی ایرانی، هویت نژادی ایرانیان، مباحث ملی گرایی، قومیت‌های ایرانی و جنبه‌های مذهبی و رابطه‌ی مذهب با قومیت و ملت اختصاص یافته است. از دیدگاه مؤلف فروپاشی شوروی از یک سو و شتاب‌گیری فرایندجهانی شدن و جهانی سازی از سوی دیگر، از دلایل عمدی پژوهش‌های مربوط به ملت و قومیت در سال‌های اخیر به شمار می‌رود. به ویژه آن که تکاشهای برخی جریان‌های خفته‌ی سیاسی و فکری الحقیقت‌گرایانه مانند پان‌ترکیسم و چشم‌انداز جریان‌های کردی در عراق بحث پیرامون هویت ملی، ملت و قومیت در ایران را شتاب داده است.^۱ از دیدگاه نگارنده دگرگونی‌های نوین در حوزه اندیشه و ظهور رهیافت‌های نظری و معرفت‌شناسانه در کانون‌های دانشگاهی، به ویژه فرانوگرایی و نگرش‌های فرهنگی درون گفتمان جهانی شدن از مهم‌ترین عوامل رویکرد دوباره به بحث هویت، ناسیونالیسم و ملتی بوده است.^۲ مقالات کتاب با هدف بررسی چالش‌های هویت ملی، ملت و قومیت در ایران با تکیه بر نظریه‌های مدرن و پژوهش‌های واقع گرایانه تاریخی و جامعه‌شناسی از میان آن‌لار بر جسته ترین پژوهشگران این حوزه انتخاب شده‌اند. از لحاظ موضوعی مقالات این مجموعه به دو مقوله عمدی پردازند:

۱- بحث هویت ایرانی و ابعاد گوناگون نظری و تاریخی آن؛

۲- بحث مربوط به اقوام ایرانی، هویت و جایگاه تاریخی و نقش آن‌ها در دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ایران.^۳

نخستین مقاله کتاب با عنوان «هویت، تاریخ و روایت در ایران» اثر دکتر جهانگیر معینی علمداری با هدف پاسخ به چند پرسش نظری درباره‌ی «ملیت» و «هویت ملی» و کاربری آن در مورد ایران به نگارش درآمده است. نگارنده هویت ملی را به عنوان یک امر ساخته شده از طریق تاریخ می‌داند که به واسطه‌ی روایت تداوم پیدا می‌کند. بنابراین هویت ملی جنبه‌ای صرفاً طبیعی ندارد بلکه امری مصنوعی است که در گذر زمان به وسیله روایتگری ساخته و پرداخته می‌شود و سپس به صورت خاطره‌ی جمعی درآمده و بعد از آن تثبیت

هویت ایران

و ابعاد نظری و تاریخی آن

• محمد کائیدی نژاد

ایران

هویت، ملت، قومیت

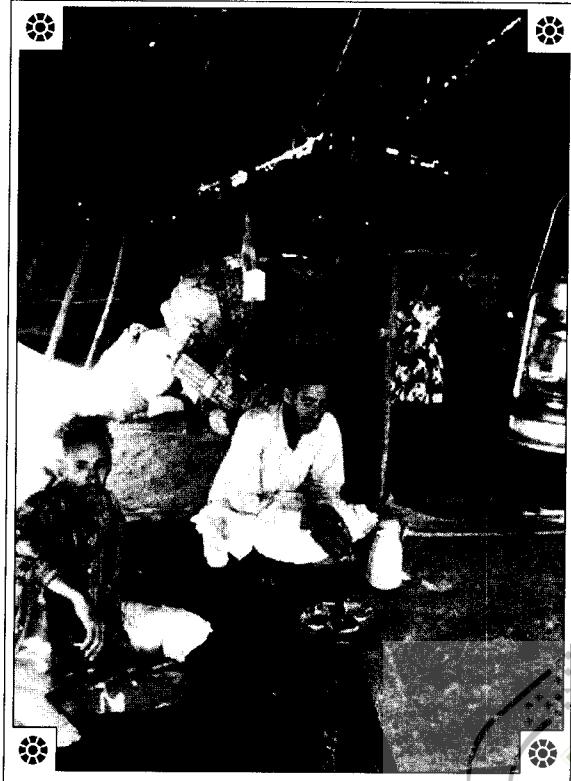


■ ایران: هویت، ملت، قومیت

■ حمید احمدی

■ تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم

انسانی، ۱۳۸۶، تعداد صفحات: ۵۵۲



۱- تأسیس نهاد امپراتوری؛ ۲- وجود ادیان جهانی؛ ۳- زبان و ادبیات مشترک میان اقوام. وی سپس در روند تحول هویت ایرانی چند مرحله‌ی اسلامی را بر می‌شمارد: ۱- دوره پیش از ساسانیان که عصر اساطیری، پیشدادی و کیانی است؛ ۲- هویت ایرانی در عصر ساسانی؛ ۳- هویت ایرانی در دوره اسلامی؛ ۴- هویت ایرانی در عصر صفوی؛ ۵- دوره بحران هویت و هویت قومی-زبانی.

دیگر مقاله‌ی کتاب با عنوان «نخبگان محلی، جهانی سازی و دویای فذرالیسم» به چالش میان نخبگان محلی، جهانی سازی و فدرالیسم می‌پردازد. دکتر محمد رضا خوبروی پاک، پژوهشگر مسائل قومی در این مقاله تلاش کرده است چالش‌های فدرالیسم را که به عنوان شکل و نوع حکومت آمرانی ایران معاصر مورد مطالبه جریان‌های سیاسی قوم‌گراست، بررسی کند. به عقیده‌ی این پژوهشگر پاره‌ای از نخبگان شکست‌خورده عرصه سیاست ملی در جهت کسب منافع خود به هوازی سرسختانه از محلی گرایی و قوم گرایی پرداخته‌اند.^{۱۰} وی با بر شمردن نمونه‌هایی از مفاهیم مشترک میان همه اقوام ایرانی معتقد است: «فرهنگ ایرانی به معنای عام آن، مشترک میان همه اقوام ایرانی است^{۱۱}». وی با نام بردن از زبان پارسی به عنوان نخستین زبان ترجمه‌ی قرآن، از پیشگامی دانشمندان و اندیشمندان ایرانی برای اشاعه‌ی پیام اسلام یاد می‌کند. نگارنده مقاله معتقد است ایرانیان از سده‌های نخستین اسلامی زبان فارسی را به عنوان مهم‌ترین ابزار جهت بازسازی هویت ایرانی به کار گرفته‌اند. پیشگامی زبان فارسی به عنوان نخستین زبان ترجمه‌ی قرآن وجود تفسیر فارسی مانند تفسیر طبری و تفسیر نسفی یا کشف الاسرار شاهدی بر این مدعاست. «ایران باستان

می‌شوند^{۱۲}. نگارنده ابتدا با تعریفی از ملت، نقش خودآگاهی، تاریخ و روایت را در تکوین هویت ملی بررسی می‌کند. این بررسی در قالب نظریه‌های انتقادی و فرانوگرایی صورت می‌گیرد. نظریه‌ای که رویکرد تکوین ملت را پیشین تر از دوران مدرن می‌داند. یعنی ملت دارای ریشه‌های پیشامدren است و بر همین اساس «ملت‌های جدید حاصل بازسازی هویت‌های سرزمین قبیمی تر^{۱۳}» تلقی می‌شوند. «بین و ملت در ایران: همیاری یا کشمکش» دو مین مقاله کتاب است. دکتر حمید احمدی رابطه‌ی میان دین و ملت را از دیرپاترین مباحث اندیشه‌ی سیاسی در خاورمیانه معاصر ارزیابی می‌کند. وی در مقاله‌اش می‌کوشد تا نشان دهد رهیافت ناسازگار معتقد به تقابل میان اسلام و ناسیونالیسم یا اسلامیت و ایرانیت در ایران، از دیرپایی چندانی برخوردار نیست. بر همین اساس وی با بر جسته کردن نمونه‌هایی از برخوردهای دوسویه اسلام و ناسیونالیسم ذیل مفهوم جغرافیایی خاورمیانه کهنه در دوره‌ی حاکمیت خلافت اسلامی اموی و عباسی، گستره‌ی بررسی‌اش را به دوران خاورمیانه مدرن پیوند می‌زند. هر چند چنین پیوندی تأمل برانگیز است؛ اما نگارنده، سپس به برخورد این جریان در ایران می‌پردازد. «در ایران برخلاف سایر نقاط خاورمیانه دین و ملت عناصر اصلی حیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه ایرانی را تشکیل داده‌اند».^{۱۴} سومین مقاله کتاب «ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران» نوشتۀ دکتر حسین بشیریه است. دکتر بشیریه در این مقاله کوشیده است نشان دهد که «هویت‌های خالص مفاهیمی موهومند که اغلب به واسطه‌ی ایدئولوژی‌های کلی پرداز عصر مدرن عنوان شده‌اند».^{۱۵} به اعتقاد نگارنده «نوع ناسیونالیسم‌ها در عصر مدرن در پی بر جسته سازی بخشی از هویت چندبخشی و چندپاره‌ی مردم برآمده‌اند و خصلت موزائیک گونه هویت‌های اجتماعی را انکار کرده‌اند».^{۱۶} از دیدگاه دکتر بشیریه، بهره‌برداری ابزاری از مبانی هویت ملی ایران در جهت قدرت و سلطه‌ی سیاسی موجب ایدئولوژیک کردن مقوله هویت می‌گردد. سیاسی شدن هویت ایرانی موجب آسیب‌های فراوانی بر هویت ملی ایرانی می‌شود. برای نمونه گاهی دو زبان فارسی، نژادآرایی و مذهب زدشت در نزد برخی روشنفکران تندرو سه پایه‌ی اصلی هویت از دست رفته ملت ایران به شمار می‌آمدند. تحلیل رابطه‌ی ایدئولوژی و هویت در ایران قرن بیست و چهارم و چگونگی تشكیل و تقویت اجزایی از هویت چندوجهی مردم ایران به وسیله‌ی ساختارهای گفتمانی و ایدئولوژیک دیگر، محورهای موربد بررسی در مقاله حاضر هستند.^{۱۷} «بحران هویت ملی و قومی در ایران» عنوان چهارمین مقاله این کتاب است که توسط احمد اشرف پژوهشگر مسائل سیاسی ایران تألیف شده است. بررسی سیر تحول و شکل گیری هویت ایرانی در چارچوب نظریه‌های پژوهشگران مسائل ناسیونالیسم، عمدترين جهت‌گیری این مقاله است. نگارنده با شمردن عناصر شکل‌دهنده، ملت و هویت ملی و قومی را مقوله‌ای تاریخی ارزیابی می‌کند. «هویت ملی امر طبیعی و ثابت نیست که پایه‌های مشخص عینی و آفاقی داشته باشد، بلکه پدیداری است نفسی که ریشه در تجربه‌ها و تصورات جمعی مردم دارد».^{۱۸} احمد اشرف ریشه‌ی هویت ملی را در احساس تعلق به طایفه، تیره، قبیله، ایل و قوم جست وجو می‌کند. وی ایلیت را نوعی ناسیونالیسم ابتدایی می‌داند. بر همین اساس چند عامل مهم را در پیاشی واحدهای فرقی از برمی‌شمارد که هویت ملی را می‌سازند. این عوامل عبارتند از:

هویت ملی جنبه‌ای صرفاً طبیعی ندارد بلکه امری
مصنوعی است که در گذر زمان به وسیله روایتکری
ساخته و پرداخته می‌شود و سپس به صورت خاطره‌ی
جمعی درآمده و بعد از آن تثبیت می‌شود

روستاییان با تشید ناهمگونی‌ها و تعارضات فرهنگی در جامعه‌ی شهری همراه بود^{۱۲}. از نمونه‌های پیوند هویت ملی با سیاست از دیدگاه این پژوهشگر پیروزی جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران بود که هویت ملی ایرانی خود را به صورت یک نیروی مقاومت در مقابل مداخله‌ی خارجی نشان داد. با وجود آن که مقالات مذکور از دریچه‌های مختلف و بر اساس برخی نظریه‌های مدرن رایج به بررسی هویت، قومیت و ملیت ایرانی پرداخته‌اند، اما کتاب هنوز هم تعریف جامعی از هویت ایرانی به دست نمی‌دهد. زیرا برخی نگارنده‌ها معتقدند هویت و ملیت ایرانی همانند سایر هویت‌ها و ملیت‌های امری پیشامدرن است و برخی آن را توجه و برآیند دوران پیشامدern و مدرن معاصر می‌پنداشند. خصلت موزائیکی فرهنگ و ملیت ایرانی که با چندگانگی پیوندی ناگستینی دارد، نیاز به بازتعویض علمی دارد. به هر روی هر کدام از مقالات گوشمای از این فرهنگ و ملیت و هویت را مورد واکاری قرار داده‌اند. نیاز به یک جمع‌بندی نهایی در این کتاب به شدت

و هویت ایرانی» عنوان دیگری از مقالات کتاب است که مرتضی ثاقبفر محقق و مترجم تاریخ و اساطیر باستانی ایران آن را به رشته تحریر در آورده است. درواقع این بخش از کتاب ویژگی مقاله ندارد؛ بلکه گفتگویی است تخصصی پیرامون هویت ایرانی. ثاقبفر در این گفتگو به پرسش‌های بنیادینی پیرامون هویت ایرانی پاسخ می‌دهد. وی سه عنصر اصلی و بنیادی در شکل‌گیری فرهنگ و هویت ملی ایران را فرنگ ملی باستانی ایران، فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی و معاصر می‌داند^{۱۳}. دکتر ابوالفضل دلاوری کوشیده است در جارچوب مقاله‌ی خود با عنوان «شهر، هویت و سیاست در ایران معاصر» چالش‌های عمدی شهرنشینی در دو سده اخیر را در پیوند با موضوع هویت ایرانی بررسی نماید. این پژوهشگر تاریخ سیاسی معاصر ایران در صدد است تا بحرازن هویت در جامعه معاصر ایران را با نگاهی به پدیده شهرنشینی و مهاجرت گروه‌های مختلف بررسی نماید. از نظر دلاوری «رشد سریع شهرها آن هم عمدتاً در اثر مهاجرت



نویسنده به چالش‌های عمدۀ شهرنشینی در دو سده‌ی اخیر در پیوند با موضوع هویت ایرانی نظر داشته است. وی بحران هویت در جامعه معاصر ایران را با نگاهی به پدیده شهرنشینی و مهاجرت گروه‌های مختلف بررسی کرده است

هویت ایران

است. نفت‌خیز بودن خوزستان، منابع فراوان گازی و وجود رودخانه‌های بزرگ در کنار زمین‌های حاصلخیز، خوزستان را از لحاظ منابع زیرزمینی و زیرساخت‌های توسعه‌ای نسبت به سایر مناطق ایران در موقعیت ویژه‌ای قرار داده است. شاید تهاجم ارتش عراق در سال ۱۳۵۹ش/۱۹۸۰م و ادعای واهی بعضی‌ها مبنی بر عربی بودن منطقه‌گویای اهمیت ویژه‌ی خوزستان باشد. نگارنده مقاله‌بانگاهی به سیر تاریخی و قایع جدایی‌طلبانه مبتنی بر حساسیت‌های قومی کوشیده است تهاجم ارتش عراق در خوزستان را برسی نماید. با این وجود عدم توجه نبوی چالش‌های قوم‌گرایانه در خوزستان از این استان را باید در نظر داشت. شاید وجود قوم اصیل ایرانی چون لر در این استان و زندگی مسالمت‌آمیز اقوام لر و عرب در کنار هم، به خودی خود بهترین راه برای حساسیت‌زادایی قومیتی در خوزستان باشد.

احساس می‌شود. تا رشتۀ بیوندی میان مقالات برای خواننده حفظ و نمایان گردد. کاوه بیات پژوهشگر و مترجم مسائل تاریخ معاصر ایران با مقاله‌ای تحت عنوان «آشنایی با پان ترکیسم و تأثیر ماجراهی روشنی بیگ بر آن» به موضوع پان ترکیسم و تأثیر اجتماعی آن بر جمعیت ترک‌زبان کشور می‌پردازد. موضوع پژوهش بیشتر ناظر بر مسائل هویتی و قومیتی در سال‌های پایانی امپراتوری عثمانی و جنگ جهانی اول است. شروع مسأله پان ترکیسم از محافل ملی ترک آغاز و با ادعای آن‌ها مبنی بر ترک بودن ایران شمالی وارد مراحل بحث برانگیز شد. به اعتقاد بیات «با انتشار مقاله‌ی روشنی بیگ، بحث پان ترکیسم که تا پیش از این در میان ایرانیان بیشتر به صورتی ضمنی و تلویحی بازتاب داشت، جنبه‌ای صریح و آشکار یافت^{۱۷}.» در این مقاله تلاش نگارنده صرف بررسی نقش روشنی بیگ در برنامه‌های سیاسی پان ترکیسم و تفکر الحق‌گرایانه‌ی ایلدولوژی پان ترکیسم گشته است. در همین زمینه و با رویکردی دیگر و جب‌ایزدی در مقاله‌ی خود تحت عنوان «نگاهی به یک دهه چالش بر سر هویت آذربایجان» به بررسی دگرگونی‌های آذربایجان در قرن بیستم و رابطه‌ی آن با ایلدولوژی پان ترکیسم دیسیسه‌چنی‌های روسیه و حرکت‌های نخبگان این ناحیه پرداخته است. مسأله‌ی آذربایجان و تشکیل دو حکومت در اوایل سده بیست همواره از چالش برانگیزترین مسائل قومیتی ایران بوده است. به هر روی آذربایجان‌گرایی در کنار جریان پان ترکیسم زمینه‌ی کاری پژوهشی مهمی بدست می‌دهد که نیازمند توجه جدی است. ناهید کوه شکاف و احسان هوشمند در مقاله‌ی خود «رون و توسعه در مناطق کردنشین ایران فیل و پیس (انقلاب)» به مهم‌ترین مسائل قومیتی و هویتی در ایران پرداخته‌اند. مسأله‌ی کردها در میان اقوام ایرانی به لحاظ گستردگی و پراکندگی جغرافیایی خودی نفوذ جمعیتی کردها در منطقه خاورمیانه مهم‌ترین مسائل قومیتی به شمار می‌رود. نگارنده‌گان مقاله‌ی با توجه به آشنایی نزدیک با مسائل کردستان و مسائل توسعه در صدد بررسی تأثیر روند تدریجی توسعه در هویت و قومیت کردها برآمده‌اند. این مقاله رویکردی تقریباً یکسان به مناطق کردنشین ایران دارد. درحالی که به نظر می‌رسد چالش‌های قومیتی کردها در استان‌های مختلف کشور با هم متفاوت است. اصولاً حساسیت‌های قومیتی کرد در استان‌های کردنشین مانند ایلام و بخش‌هایی از کرمانشاه با استان کردستان و آذربایجان غربی قابل مقایسه نیست. آخرین مقاله کتاب «خوزستان و چالش‌های قوم‌گرایانه» نوشته سید عبدالامیر نبوی

- ۱ احمدی، حمید، ایران: هویت، ملت، قومیت، موسسه تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی، تهران، ۱۳۸۶، چاپ دوم، ص ۹-۱۰.
- ۲ همان، ص ۱۱.
- ۳ همان، ص ۱۱-۱۲.
- ۴ همان، ص ۲۵-۲۶.
- ۵ همان، ص ۲۹.
- ۶ همان، ص ۹۶.
- ۷ همان، ص ۱۱۵.
- ۸ همان.
- ۹ همان، ص ۱۲۳.
- ۱۰ همان، ص ۱۱۸.
- ۱۱ همان، ص ۱۳۴.
- ۱۲ همان، ص ۱۴۰-۱۳۹.
- ۱۳ همان، ص ۱۷۲.
- ۱۴ همان، ص ۱۷۴.
- ۱۵ همان، ص ۲۵۲.
- ۱۶ همان، ص ۲۸۱.
- ۱۷ همان، ص ۳۴۶.